

«خودتان را معرفی کنید، چه تحصیلاتی دارید و سابقه اشتغالیان در صنعت نفت چگونه است؟»  
 منوط سال ۱۳۵۶ در شهرستان خمینی شهر، مناهل و دارای دوازدهم دبیرستان هستم. تحصیلاتم هم از رشته کارشناسی مهندسی برق، کارشناسی و کارشناسی ارشد، مدیریت بازرگانی است. از سال ۸۷ به استخدام رسمی صنعت نفت در آمدم. از ابتدای فعالیت در صنعت نفت در شرکت خطوط لوله و مخازن نفت منطقه جنوب شرق مشغول به کار شدم. ابتدا به مدت ۸ سال مرکز انتقال نفت بزرگ خدمت کردم سپس در مرکز انتقال نفت ناین به انجام وظیفه مشغول شدم.

«از خانواده تان کسی هم در صنعت نفت شاغل بوده است؟»  
 پدر و مادر من هر دو متولد شهر آبان هستند. پدرم بازنشسته شرکت ملی گاز ایران هستند و پسر بزرگ من هم شاغل در پالایشگاه آبان بودند و افتخار آن را دارم. سه نسل از خانواده من در صنعت نفت به خدمت مشغول بودیم.

«چه نگاه و حسی به شغلان دارید، فکر می کنید چه ویژگی های بزرگی دارد؟»  
 حساسیت و اهمیت شغل کار ما یک مقوله انبیا است و ما نوجوانان به اینک به انبیا آتش از تجهیزات گران قیمت سروکار داریم، با کمترین بی احتیاطی امکان خسارت به بیت المال و دردشوه که جبران آن بسیار سخت و دشوار است. علاوه بر آن، در کارهای عملیاتی، فرد به صورت شفقت و شب کار مشغول است و از آنجایی که کار ما مترکز نیست و گسترده دگی در تمام کشور دارد، ممکن است افراد به دلیل مأموریت های بلندمدت و با فاصله بسیار زیاد ناگزیر به دوری از خانواده شوند. اینها از موارد اصلی و بارز ویژگی ها و سختی های کار ما محسوب می شود؛ هر چند هر شغلی مشکلات خاص خود را دارد اما آنها موضوعی که این سختی ها را بر ما هموار می کند، افتخار داشتن یک شغل پر اهمیت است و اینکه کار بزرگی انجام می دهید. در برخی مشاغل چالش های بسیار کمتری وجود دارد اما اگر در کار ما به چهری سخت تر ببیند و یا فردی از سیستم حذف شود، خلا بزرگی ایجاد می شود. در کنار همه این موارد هم کاری با افرادی که از لحاظ اخلاقی انسان های شریفی هستند و دانشتان آریاب و جوع و تمرکز بیشتر بر کار تخصصی از معاصن این شغل است.

«تقاضای خانواده تان به چه کاری مشغول هستند؟»  
 یکنه دختر کوچکم کلاس دوم ابتدایی است و دختر بزرگم نینا ۱۷ ساله است و در رشته تجربی تحصیل می کند و سال دیگر قصد دارد در آزمون کنکور شرکت کند. چون من و همسرم هر دو دارای تحصیلات عالی هستیم، مایل نیستم فرزندمان تحصیلی بیادند و امری هم ندارم. هم از طریق تحصیلات دانشگاهی به موفقیت برسند، به همین دلیل از چند سال پیش از طریق مراکز مشاوره تحت فرزندم که در زمینه استعدادسنجی فرزندان مشاوره و فرزندبیم، فرزندان در انتخاب زمینه علاقه خود آزاد هستند، هر چند تحصیل تا مقطع دیپلم اجباری است و بعد از آن تصمیم در مورد ادامه مسیر به خودشان واگذار کردیم. هر دو به کارهای هنری و تجسمی علاقه دارند و آموزش های مقدماتی موسیقی را هم گذرانده اند. تحصیلات همسر دکترای ادبیات و کارشناسی ارشد حقوق است و در هر دو رشته او در دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان تدریس می کند و عضو هیأت علمی هستند.

«همسر تان به غیر از تدریس مشغول کار دیگری هم هستند؟»  
 مسئولیت یک انتشارات را بر عهده دارند و کتاب چاپ می کنند، حتی دو کتاب خودشان را نیز چاپ کرده اند و کتاب هم در حال ویراستاری برای چاپ دارند.

«خودتان چگونه؟ به غیر از کار در شرکت، مشغولت دیگری دارید؟»  
 همزمان با کار در شرکت سال های قبل، دو کارگاه تأسیس کردم که یکی از آنها تولید چینی مظروف بود.

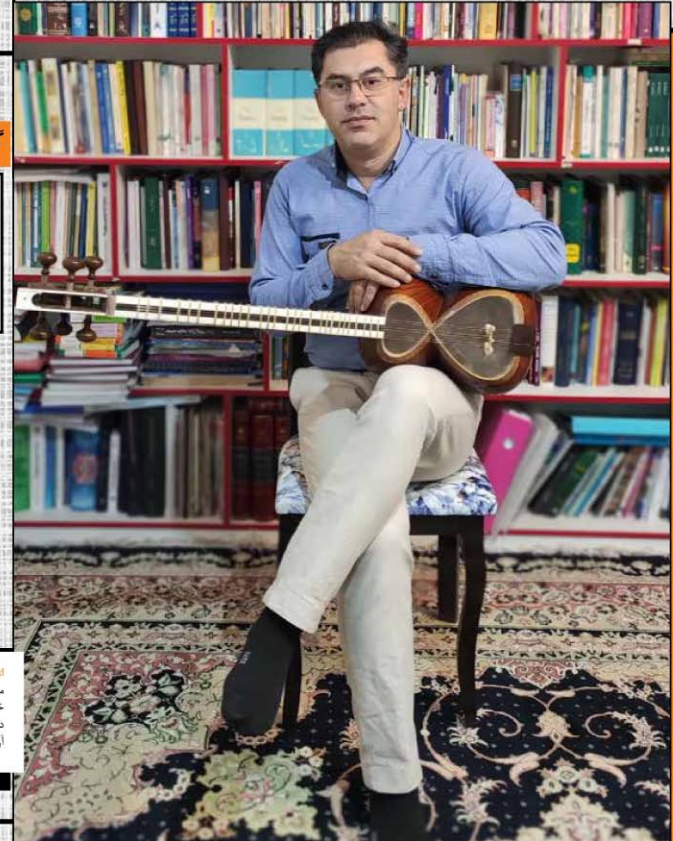
«عنی کار آفرین هستید؟»  
 بله، در کارگاه تولید چینی ۳ نفر مشغول به کار بودند که در نهایت به دلیل وازدات بی رویه و مجبور به تعطیلی آن شدم چون با حمایت های که از تولیدکنندگان چینی در کشور های دیگر می شود، هر چه سرمایه تولید آن باین می آید، هم برای قرضت محمول حفظ می شود و باین شکل من تولیدکننده و مستقیم به محصولات چینی خارجی که در بازار وجود داشته، رقابت کنم و علاوه بر آن وقتی کسی می خاند، بالای ۳۰ درصد نرخ بهره داشته، در حالی که سودمن از تولید آنها، در صورتی در نهایت این عدم حمایت منجر به تعطیلی کارگاسند.

«کارگاه بعدتان چگونه؟»  
 کارگاه بعدیم در زمینه ساعت بندی، بود. غدا می بود. عینی سبب سلامت هم داشتیم و ۵ نفر حاکم سرپرست خاور در آن مشغول به کار بودند و آن هم به دلایل مسابه، دو سال است که فعالیت ندارد و با وجود اینکه کار در شرکت را دوست دارم اما کار تولیدی را بیشتر می پسندم و زمینه علاقه من هم کار تولیدی است، اما در بازار رقابتی نمی توانم دوباره بر روی این صنعت بیشتر دلال ها سود خوبی به دست می آورند و متأسفانه از تولیدکننده حمایت کافی نمی شود حتی دوست داشتیم کار مرا گسترده کنیم، کارگاه تبدیل به کارخانه شود، اما واقعاً نشد.

«برویم سراغ موسیقی، نواختن راز و کجا ویا چه سازی آفرار کردید؟»  
 از سن یازدهم به موسیقی و نواختن ساز پیانو علاقه مند شدم، اما چون این ساز، تجملاتی است و فضای بسیار زیادی را در خانه اشغال می کند، بنابراین هیچ وقت نتوانستم، ساز پیانو واقعی داشته باشم و ناگزیر با ساز آگ که ادامه دارم، اما اکنون جزو علاقه مندی های من فرار ندارد، و بعدها با ساز تار آشنا شدم و اکنون نواختن این ساز را دنبال می کنم.

گفت و گو با هنرمند خوش ذوق نفتی که دستی بر کار آفرینی نیز دارد

# از دنیای شعر و تار تا جهان مطالعه و کتاب



«عظیم محمد شمشاد» این روزها و شاید بهتر بگوییم این سال، هاشکبه های اجتماعی و کمال های تأویز بومی ما را احاطه کرده اند و مجال نمی دهند تا به خودمان فکر کنیم. علاقه منان را در پیوسته و خانواده و فرزندانمان وقت بگذرانیم. شعر بخوانیم و موسیقی خوب بشنویم، خلاصه این که خودمان دنیای خودمان و خانواده هایمان را بسازیم و نگذاریم ولایت طلایی عمرمان به بطلت و بیپودی بگذرد. در این باره در موضوع های چون: شعر، موسیقی و کتاب با هم را روح امین، مسئول عملیات مرکز انتقال نفت گفت و گویی کرده ایم که مشروح آن را در ادامه می خوانید.